

رزمایش ۳۱۳ هزار نفری از میدان امام حسین(ع) تا میدان انقلاب اسلامی برگزار شد

ایران برای همه ایرانیان

رزمایش ۳۱۳ هزار نفری از ساعت هشت صبح دیروز (جمعه ۲۷ شهریور) با رمز «لَبَّیک یا خاتمه‌ای» و با مشارکت گروه‌های مردمی در تهران برگزار شد و رئیس‌جمهور کشورمان نیز در این رزمایش شرکت کرد.این مراسم در تهران با رژه ۳۱۳ هزار نفری گردان‌های رزمی بسیج و پوشش جان‌فدا و سایر اقشار، از میدان امام حسین(ع) تا میدان انقلاب اسلامی برگزار شد. شماری از پهبادهای ایرانی نیز به نمایش درآمدند و بخشی از توانمندی‌های پهبادی کشور در معرض دید قرار گرفت. حجت‌الاسلام حسین طائب، رئیس سازمان بسیج، در این آیین مردمی و بزرگ به سخنرانی پرداخت. از دیگر برنامه‌های این آیین، رژه بانوان بود که در مسیر رزمایش به اجرا درآمد. نوجوانان جان‌فدای ایران نیز رژه رفتند. مسعود پزشکیان در حاشیه این رزمایش، در گفت‌وگو با خبرنگاران با بیان اینکه جان ما فدای مردم و ایران است، تأکید کرد: ما جانمان فدای مردم، کشور و ایران است و با تمام وجود برای کشور در حال تلاشیم. او با تأکید بر لزوم اتحاد و انسجام در داخل کشور، اظهار کرد: وحدت و انسجام در تمام مسائل دشمن را ناامید می‌کند. پزشکیان، رئیس‌جمهور، صبح روز جمعه در رزمایش جان‌فدایان ایران که با حضور گسترده مردم در حال برگزاری بود، حضور یافت و از جلوه‌های باشکوه همبستگی، انسجام و وفاداری ملی شرکت‌کنندگان تجلیل کرد. رئیس‌جمهور در این اجتماع مردمی، حضور گسترده اقشار مختلف مردم را نمادی روشن از پیوند عمیق ملت با ایران و اراده جمعی برای صیانت از عزت، استقلال، تمامیت ارضی و اقتدار کشور دانست و از حضور مسئولان و آگاهانه مردم در این رزمایش قدردانی کرد. پزشکیان با تجلیل از حاضران در رزمایش «جان‌فدایان ایران»، حضور مردم را جلوه‌ای از مسئولیت‌پذیری ملی و تعلق خاطر آنان به سرزمین ایران توصیف و تصریح کرد: ایران متعلق به همه ایرانیان است و حفظ عزت و سربلندی آن، نیازمند وحدت، همدلی و مشارکت همگانی است.همچنین در حاشیه این مراسم، رئیس‌جمهور در پاسخ به پرسش خبرنگار صداوسیما مبنی بر اینکه جان‌فداها چگونه می‌توانند به دولت کمک کنند هم گفت: «قطط صرفه‌جویی کنند و به اندازه کافی و مورد نیاز مصرف کنند؛ زیرا در بحث بنزین، گاز و برق ما باید کاری کنیم چرخ کارخانه‌ها بچرخد. بنابراین ضروری است در مصرف انرژی، برق، گاز و بنزین صرفه‌جویی کنیم و با حمل‌ونقل عمومی تردد و با صرفه‌جویی دشمن را ناامید کنیم». همچنین به گفته سردار حسن‌زاده، فرمانده سپاه تهران بزرگ، در تهران حدود ۵۰۰ هزار نفر برای شرکت در این رزمایش ثبت‌نام کرده بودند. سردار رسول سنایی‌راد، معاون سیاسی دفتر عقیدتی-سیاسی فرمانده معظم کل قوا نیز درباره رزمایش ۳۱۳ هزار نفری «جان‌فدا» و با اشاره به مؤلفه‌های قدرت در جهان اظهار کرد: معمولا مؤلفه‌های قدرت به سمت سخت‌افزار تمایل دارند، مانند جغرافیا و جمعیت و بعضا فرهنگ، اما در کشور ما اصلی‌ترین مؤلفه‌های قدرت ماهیت نرم‌افزاری دارند و به فرهنگ حماسی مردم و پیشینه تمدنی ما بازمی‌گردند که شکلی هویتی دارد. به گزارش دفاع‌پرس، او افزود: رزمایش ۳۱۳ هزار نفری «جان‌فدا» نمایش مؤلفه قدرت ماست؛ مردمی که با نگاه اعتقادی و در پیوند با هویت و تمدنی که مقاومت در برابر دشمن را فضیلت می‌دانند، امروز به خیابان آمدند. این حضور به معنای مقاومت مردم‌پایه در مقابل دشمن متجاوز است که بخشی از آن را در اجتماعات شبانه مردمی شاهد بودیم و لایه دیگر آن، همین حضور امروز در رزمایش ۳۱۳ هزار نفری «جان‌فدا» است. سردار سنایی‌راد با اشاره به ترکیب شرکت‌کنندگان در این رزمایش خاطرنشان کرد: ایس رزمایش حضور طیف مختلفی از نوجوانان تا میانسالان، زن و مرد را در بر می‌گیرد و هیچ محدودیت قشری و صنفی آن وجود ندارد. این امر نشان می‌دهد در تمامی اقشار و سطوح جامعه، جان‌فدابودن برای ایران نه‌فقط یک شعار، بلکه یک ارزش مفهومی است که تجلی آن را امروز در این رزمایش مردمی بزرگ شاهد هستیم.

درگیری مسلحانه در خیابان دانشگاه زاهدان: ۲ تروریست کشته شدند

منابع آگاه از درگیری مسلحانه در خیابان دانشگاه زاهدان در بامداد دیروز خبر دادند. به گزارش صداوسیما، بر اساس اطلاعات دریافتی از منابع آگاه، باسداد دیروز نیروهای قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه حین گشت‌زنی در محدوده خیابان دانشگاه زاهدان، به یک دستگاه خودروی سواری مشکوک برخوردند که پس از آن بین سرنشینان خودروی سواری و نیروهای قرارگاه قدس درگیری مسلحانه‌ای رخ می‌دهد. در جریان این درگیری، دو نفر از افراد مسلح کشته شدند و یک نفر از آنها دستگیر شد.

کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل: آمریکا در ایران جنایت جنگی انجام داده‌است

یک هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل در مورد ایران، پنجشنبه اعلام کرد دلایل موجهی برای این باور وجود دارد که آمریکا عامل دو حمله نظامی به یک مدرسه و یک مجموعه ورزشی در ایران در ماه فوریه بوده و این اقدامات مصداق جنایت جنگی محسوب می‌شوند. به گزارش خبرگزاری مهر، به نقل از خبرگزاری رویترز، یافته‌های گزارش جدید «هیئت مستقل بین‌المللی حقیقت‌یاب در مورد ایران» که قرار است به شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو ارائه شود، به بررسی عملکرد ایالات متحده در جریان تجاوز غیرقانونی نظامی به ایران (که در ماه فوریه آغاز شد) می‌پردازد. رویترز نوشت: کارشناسان سازمان ملل اعلام کردند شواهد معتبری یافته‌اند که نشان می‌دهد نیروهای آمریکایی مسئول حمله به دبستان «شجره طیبه» در شهر میاب بوده‌اند؛ حمله‌ای که به گفته مقامات ایرانی، منجر به کشته‌شدن (شهادت) بیش از ۱۵۰ نفر، از جمله حدود ۱۲۰ دانش‌آموز شد. این هیئت نتیجه‌گیری کرد که این اقدام، یک حمله کور (بدون تفکیک اهداف نظامی و غیرنظامی) بوده که باعث مرگ غیرنظامیان و آسیب به زیرساخت‌های غیرنظامی شده و بر اساس حقوق بین‌الملل، مصداق جنایت جنگی است. بازرسان اعلام کردند قصور در به‌روزرسانی اطلاعات مربوط به هدف‌گیری و عدم تأیید اینکه آن ساختمان یک هدف نظامی بوده است، چیزی فراتر از یک سهل‌انگاری ساده محسوب می‌شود. خبرگزاری رویترز نیز چنین بازرگارش را به دلیل نبود تحقیقات اولیه و داخلی ارتش آمریکا نشان می‌دهد نیروهای آمریکایی مسئول آن حمله مرکب در میاب واقع در جنوب ایران بوده‌اند. کارشناسان اعلام کردند این مدرسه به‌وضوح یک هدف غیرنظامی محسوب می‌شد و هیچ مدرکی دال بر استفاده از آن برای مقاصد نظامی نیافتند. این کارشناسان درباره حمله به یک مجموعه ورزشی در «لامرد» نیز به نتیجه‌گیری مشابهی رسیدند. در این گزارش آمده است حمله مذکور به ساختمان‌های مسکونی و یک مدرسه در آن حوالی آسیب رساند و منجر به کشته (شهادت) و زخمی‌شدن ۲۲ غیرنظامی شد. گزارش مذکور نتیجه‌گیری کرد این حمله نیز کورگورانه (بدون تفکیک اهداف) بوده و از این رو مصداق جنایت جنگی محسوب می‌شود.

عبدالرحمن فتح‌اللهی: جنگ ۴۰روزه آمریکا و اسرائیل علیه ایران را می‌توان یکی از متغیرهای مؤثر در بازآرایی معادلات کردی منطقه دانست؛ هرچند این تحول در زمینه‌ای شکل گرفت که پیش‌تر با سقوط بششار اسد، دگرگونی موازنه قدرت در سوریه و جرخش عبدالله اوجلان و مظلوم عبدی از مبارزه مسلحانه به سوی کش سیاسی و مدنی، دستخوش تغییرات بنیادین شده بود. از این منظر، جنگ را نه علت منفرد این جرخش، بلکه باید کاتالیزوری دانست که روندهای پیشین و محاسبات جدید بازیگران کرد را با شتاب بیشتری همراه کرد. پیامدهای این تحول البته به بازیگران کرد محدود نمانده و می‌تواند بر محاسبات ترکیه و دولت مرکزی سوریه نیز اثرگذار باشد؛ به‌ویژه از آن نظر که الگوی «منازعه مسلحانه، مذاکره و ادغام سیاسی» بیش از گذشته در کانون تحولات منطقه قرار گرفته است. با این حال، پرسش اساسی آن است که آیا می‌توان چنین الگویی را مستقیما به ایران تعمیم داد؟ البته که در چنین چارچوبی، اظهارات اخیر مسعود پزشکیان در دیدار با بافل طالبانی درباره آمادگی تهران برای گفت‌وگو با گروه‌های دارای مطالبات مشروع را نمی‌توان دست‌کم در شرایط تداوم وضعیت جنگی و امنیتی، به‌تنهایی نشانه تغییر دکترین جمهوری اسلامی تلقی کرد و از دید ناظران، آینده این مسئله بیش از هر چیز به نحوه پایان جنگ، شرایط پسا‌جنگ و چگونگی ترسیم مرز میان مطالبات سیاسی و الزامات امنیت ملی ایران وابسته خواهد بود. با توجه به اهمیت تحولات اخیر و برای واکاوی آرایش جدید معادلات کردی در سايه جنگ آمریکا علیه ایران، با قدرت احمدیان، استاد دانشگاه و تحلیلگر ارشد مسائل کردی، به گفت‌وگو پرداخته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

●●●

جناب احمدیان قبل از موشکافی گفته‌های پزشکیان در دیدار با بافل طالبانی، رئیس اتحادیه میهنی کردستان عراق، می‌خواهم بحث را از اینجا آغاز کنم که از آخرین گفت‌وگویم با حضرت‌عالی درباره معادلات کردی در منطقه تا امروز، یک متغیر بسیار مهم به این معادلات افزوده شده است؛ جنگ ۴۰روزه آمریکا و اسرائیل علیه ایران که بی‌تردید پیامدهای آن از سطح مناسبات تهران و واشینگتن فراتر رفت و بر ترتیبات امنیتی و ژئوپلیتیکی منطقه و به‌طور مشخص بر مسئله کرد نیز اثر گذاشت. پیش از آن درباره تأثیر سقوط بشار اسد، تغییر موازنه قدرت در سوریه و متعاقب آن جرخش گفتمان عبدالله اوجلان و روند ادغام و اسراریل علیه گفت‌وگو کرده بودیم؛ همچنین در سوریه، حرکت مظلوم عبدی و نیروهای تحت فرمان او از الگوی اتکا بر ساختارهای نظامی و خودگردان به سمت ادغام در ساختار سیاسی جدید سوریه و پیگیری مطالبات کردها از مسیر سیاسی و مدنی، نشانه‌ای از یک تغییر مهم در رویکرد مسد کرد به شمار می‌رود، اما پرسش مشخص من این است که جنگ ۴۰روزه آمریکا و اسرائیل علیه ایران در این جرخش چه نقشی ایفا کرد؟ آیا این جنگ تحمیلی علیه ایران را باید صرفا یک «کاتالیزور» دانست که روندهای پیشین، از سقوط اسد و تغییر موازنه سوریه‌گرفته تا روند صلح ترکیه و تغییر رویکرد اوجلان را تسریع کرد، یا اساسا خود جنگ متغیرهای جدیدی را به معادله کردی منطقه وارد کرد که از اوجلان و مظلوم عبدی را بیش از گذشته به این جمع‌بندی رساند که آینده مسئله کرد از مسیر مبارزه مسلحانه نمی‌گذرد و باید در چارچوب سیاست، گفت‌وگو و سازوکارهای مدنی دنبال شود؟ به بیان دیگر، آیا آنچه امروز در سوریه و ترکیه شاهد آن هستیم، ادامه طبیعی تحولاتی است که پیش از جنگ آغاز شده بود، یا جنگ ایران و آمریکا نقطه عطفی بود که محاسبات راهبردی بازیگران کرد را نیز به شکل جدی با تعریف کرد؟

چند نکته مهم در پرش شما وجود دارد که به نظر می‌رسد نیازمند موشکافی و تامل بیشتری است. نخست آنکه موضوع جنگ را نمی‌توان صرفا به جنگ ۴۰روزه اخیر محدود کرد، بلکه این سلسله تحولات، روناق از خرداد سال گذشته و با جنگ ۱۲روزه آغاز شد و پس از آن نیز جویبشش تنش‌ها و پیامدهای ناشی از آن استمرار یافت تا سرانجام به جنگ ۴۰روزه اخیر رسید. از این منظر، آنچه امروز با عنوان «جنگ اخیر» از آن یاد می‌شود، بخشی از یک روند گسترده‌تر و پیوسته‌تر است که در طول این مدت، بر معادلات منطقه‌ای نیز تأثیر گذاشته است.

ضمناً اینکه مجموعه این تحولات و جنگ‌ها چه تأثیری بر مسئله کرد گذاشته، موضوعی بسیار پیچیده و چندلایه است و به دشواری می‌توان آن را در قالب یک پرسش، به یک پاسخ واحد و قطعی تقلیل داد. این مسئله ابعاد متعدد و متنوعی دارد و می‌توان آن را از منظرهای امنیتی، سیاسی و منطقه‌ای و نیز از زاویه نوع مناسبات میان بازیگران مختلف بررسی کرد. با این حال، اگر بخواهیم به‌طور کلی به این موضوع نگاه کنیم، تصور من این است که نوع موازنه و تقابلی که ایران به برابر آمریکا و رژیم اسرائیل از خود نشان داد، برای کردها، چه در اقلیم کردستان و چه در سوریه و ترکیه و حتی برای شماری از رهبران منطقه‌ای، تا حدود زیادی با شگفتی همراه بود. این واکنش و نحوه مواجهه ایران، در محاسبات و ارزیابی‌های آنان نیز نمی‌توانسته بی‌تأثیر باشد.

یعنی مشخصا در پرورنده کردها، شکل مواجهه تهران در جنگ با آمریکا و اسرائیل، هم برای احزاب و رهبران کرد، هم برای ترکیه و سوریه و عراق، هم برای کشورهای عربی و هم برای آمریکا و اسرائیل حاوی پیام‌هایی بود که معادلات کردی را تغییر داد؟

شاید بر اساس تجربه‌ای که رهبران منطقه از جنگ‌های گذشته در خاورمیانه، به‌ویژه تجربه حمله به عراق، در ذهن داشتند، این انتظار وجود داشت که وقوع چنین جنگی در نهایت به نوعی فروپاشی در ایران منجر شود. با این حال، نوع مقاومت ایران و شیوه مدیریت جنگ از سوی جمهوری اسلامی موجب شد که به نظر من بسیاری از رهبران منطقه‌ای با شگفتی مواجه شوند. آنچه در میدان عمل رخ داد، با بخشی از برآوردها و تصورات اولیه آنان فاصله داشت و از این جهت، می‌تواند در ارزیابی‌های بعدی آنان از معادلات ایران و منطقه نیز مؤثر واقع شده باشد. این شگفتی به‌طور طبیعی پیامدهایی داشته است که می‌توان آنها را در چارچوب تحولات منطقه‌ای و مناسبات میان بازیگران مختلف مورد بحث و بررسی قرار داد. بخشی از این پیامدها نیز به‌طور مستقیم با غیرمستقیم با کلیت مسئله کردی ارتباط پیدا می‌کند؛ به‌ویژه درباره کردهای سوریه که در این مدت، تضعیف بیشتر پیچیده منطقه‌ای، امنیتی و سیاسی قرار دارد. از این منظر، تحولات

واکاوی اظهارات اخیر پزشکیان و معادلات کُردی منطقه پس از جنگ ایران و آمریکا در گفت‌وگو با قدرت احمدیان

هزارتوی یک گره امنیتی

احمدیان: نمی‌توان معادلات کردی در ترکیه و سوریه را بدون توجه به تفاوت‌های تاریخی، سیاسی و اجتماعی به ایران تعمیم داد



دو نیروی مهم در منطقه منجر شود؛ از یک سو اسرائیل و از سوی دیگر کردها. از این‌رو چنین وضعیتی می‌تواند با ملاحظات و منافع ترکیه در منطقه سازگار نباشد.

به بخش مهم سؤال برسم، جنگ آمریکا علیه ایران درباره اقلیم

کردستان عراق که محل استقرار احزاب کرد ایرانی است، چطور؟

به نظر من کُردهای عراق و مشخصاً اربیل و حزب دموکرات کردستان عراق، تحت تأثیر پیامدها و نتایج جنگ ۴۰روزه، تا حدودی به این جمع‌بندی رسیده‌اند که در نحوه تعامل و مواجهه خود با جمهوری اسلامی ایران باید با احتیاط و ملاحظه بیشتری رفتار کنند. به بیان دیگر، به نظر می‌رسد این تحولات موجب شده است آنان در ارزیابی رفتارها و تصمیمات خود، بیش از گذشته ملاحظات جمهوری اسلامی ایران را در نظر بگیرند و تلاش کنند در موضوعات مختلف، به‌ویژه در حوزه مسائل امنیتی، رویکردی منطقی‌تر و حساب‌شده‌تر اتخاذ کنند. در شرایط کنونی، در میان کُردهای اقلیم کردستان عراق، این انگیزه و تمایل تا حدودی بیشتر مشاهده می‌شود که در مسائل مرتبط با جمهوری اسلامی ایران و همچنین تحولات منطقه‌ای، رویکردی همراه‌تر و مشارکت‌جویانه‌تر داشته باشند.

یعنی اربیل تمایل دارد در ریل تهران حرکت کند؟

خیر این مسئله الزاما به معنای همسویی کامل با پذیرش تمامی دیدگاه‌های تهران نیست، بلکه بیشتر می‌توان آن را در چارچوب تلاش برای مدیریت بهتر روابط و کاهش زمینه‌های تنش و سوءتفاهم درک کرد. به تعبیر دیگر، به نظر می‌رسد بخشی از کُردهای عراق تلاش دارند درباره مسائل مربوط به ایران و منطقه، به‌جای اتخاذ رویکردی تقابلی، نقشی مثبت‌تر و سازنده‌تر ایفا کنند و ملاحظات امنیتی و سیاسی موجود را با دقت بیشتری در تصمیم‌گیری‌های خود مورد توجه قرار دهند.

ک در سایه آنچه گفتید، حال به تبعات آزمون سوریه و ترکیه برای تهران می‌رسیم، اگر در سوریه و ترکیه مسیر «منازعه مسلحانه - مذاکره - ادغام سیاسی» به نتیجه برسد، آیا ایران نیز ناگزیر خواهد شد در قبال گروه‌های معارض مسلح کرد در اقلیم کردستان عراق الگوی صرفاً امنیتی-نظامی فاصله بگیرد؟ یا اساساً تهران میان «مسئله کرد در ترکیه و سوریه» و «گروه‌های مسلح معارض ایرانی در اقلیم» تفاوتی ماهوی قائل خواهد شد؟

من فکر می‌کنم مسئله در اینجا تا حدودی متفاوت است.

چطور؟

چون وضعیت کُردهای ایران با شرایطی که کردها در سوریه با ترکیه دارند، تفاوتی اساسی و بنیادین دارد. به بیان دیگر، نوع رابطه و نسبت کُردهای ایران با دولت مرکزی، با وضعیت کردها در سوریه و ترکیه و مناسبات آنان با دولت‌های مرکزی این دو کشور، تفاوت‌های قابل توجهی دارد. از این‌رو، نمی‌توان این سه وضعیت را صرفا بر اساس شباهت‌های ظاهری یا بر مبنای مفهوم کلی «مسئله کرد» با یکدیگر مقایسه کرد. این نکته را از این‌رو عرض می‌کنم که کُردهای ایران از پیوندها و پیوستگی‌های تاریخی، تمدنی، زبانی و فرهنگی بسیار قدرتمندی با ایران و دولت مرکزی برخوردارند. این پیوندها موجب شده است کردها در بسیاری از ابعاد، بخشی از ساختار تاریخی و هویتی ایران تلقی شوند. این وضعیت را نمی‌توان به همان شکل درباره رابطه کردها با دولت‌های ترکیه و سوریه تعمیم داد؛ زیرا زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و هویتی این روابط متفاوت بوده است.

افزون بر این، اگر به تاریخ و گذشته روابط میان دولت مرکزی و کردها در ایران نیز توجه کنیم، نوع مواجهه این دو با یکدیگر با آنچه در ترکیه و سوریه مشاهده شده، تفاوت دارد. در ایران، حتی با وجود یکی، دو مورد منازعه و رویارویی، نمی‌توان از وجود یک منازعه صریح و گسترده و سیستماتیک میان دولت مرکزی و کردها در طول تاریخ سخن گفت؛ دست‌کم این وضعیت با مناسبات تاریخی میان دولت ترکیه و کردها در ترکیه با دولت سوریه و کُردها در سوریه، قابل قیاس نیست. بنابراین، از این منظر نیز به نظر می‌رسد مرزهای منازعه میان کُردها و دولت مرکزی در ایران، حتی از نظر تاریخی، با آن شدت و گسترده‌گی را که در ترکیه یا سوریه مشاهده می‌کنیم، نداشته است. کردها در ایران همواره بخشی از ایران و جزئی تفکیک‌ناپذیر از هویت ملی ایرانی بوده‌اند و این پیوستگی تاریخی و هویتی، یکی از تفاوت‌های مهم وضعیت آنان با کردهای ترکیه و سوریه محسوب می‌شود. در کنار این عوامل، سیاست‌گذاری‌های هویتی دولت‌ها در ایران، ترکیه و سوریه نیز یکسان نبوده و تفاوت‌هایی اساسی با یکدیگر داشته است. به نظر من، در ایران هیچ‌گاه سیاست هویتی دولت مرکزی به‌طور نظام‌مند بر مبنای حذف یا انکار هویت کردها استوار نبوده است؛ در حالی که در مورد ترکیه و سوریه، شواهد و دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد در مقاطعی چنین رویکردهایی نسبت به هویت کُردی اتخاذ شده است. همین تفاوت در پیشینه تاریخی، نوع رابطه با دولت مرکزی و سیاست‌های هویتی، در تحلیل وضعیت ایران این سه کشور تفاوت اساسی دارد.

نکته مهمی لابه‌لای تحلیل شما بود؛ تمایزی جدی بین جامعه

واکاوی اظهارات اخیر پزشکیان و معادلات کُردی منطقه پس از جنگ ایران و آمریکا در گفت‌وگو با قدرت احمدیان

هزارتوی یک گره امنیتی

واکاوی اظهارات اخیر پزشکیان و معادلات کُردی منطقه پس از جنگ ایران و آمریکا در گفت‌وگو با قدرت احمدیان

کردی با احزاب کرد ایرانی قائل بودید. حالا اگر روی مسئله احزاب کرد تمرکز کنیم، موضوع را چگونه می‌بینید؟ آیا مدل سوریه و ترکیه واقعا یک مدل قابل انتقال برای ایران است؟ چراکه کُردهای سوریه بخشی از ساختارهای نظامی، امنیتی و اداری خود را در دولت مرکزی ادغام کرده‌اند و در مقابل، بر تضمین حقوق سیاسی، فرهنگی و زبانی خود در قانون اساسی تأکید دارند. در ترکیه نیز معادلات خاصی بین کردها و دولت اردوغان پی گرفته شده است. حال اگر این معامله در سوریه و ترکیه تثبیت شود، آیا می‌توان همین منطق را درباره اقلیم و گروه‌های کُرد ایرانی به کار گرفت؟ به بیان دقیق‌تر، چه چیزی باید جایگزین سلاح و ساختار نظامی شود تا تهران حاضر به پذیرش یک توافق سیاسی پایدار شود؟

باز هم فرقی نمی‌کند. به نظر من مسئله احزاب کُرد ایرانی اساسا با آنچه در برخی ترکیه و سوریه مشاهده می‌کنیم متفاوت است. اگرچه درباره گروه‌هایی که برای مثال تحت عنوان «احزاب کُرد» شناخته می‌شوند، می‌توان گفت موضوع تا حدودی با آنچه در سطح اجتماعی و در میان جامعه کُردی جریان دارد تفاوت دارد، اما در هر صورت اگر قرار باشد اپوزیسیون کرد در مقطعی بخواهد با دولت مرکزی جمهوری اسلامی ایران وارد گفت‌وگو شود، تحقق چنین فرایندی مستلزم فراهم‌شدن مجموعه‌ای از مفروضات، شرایط و الزامات است که من دست‌کم در شرایط موجود تصور نمی‌کنم این الزامات به‌طور کامل فراهم شده باشد. یکی از مهم‌ترین این مفروضات آن است که طرفین وارد یک فرایند سیاسی مشخص شوند و زمینه برای انتقال مسئله از وضعیت تقابل و منازعه به یک فرایند سیاسی فراهم شود. در این چارچوب، می‌توان به تجربه‌ای شبیه آنچه در ترکیه رخ داده است اشاره کرد؛ یعنی در کنار گذاشتن سلاح و حرکت به سمت یک فرایند سیاسی و گفت‌وگو. البته تحقق چنین فرایندی صرفا به مسئله کنار گذاشتن سلاح محدود نمی‌شود و مجموعه‌ای از الزامات و پیش‌شرط‌های دیگر نیز وجود دارد.

مثلا چه الزاماتی؟

ازجمله این الزامات می‌توان به پذیرش هویت ملی، حفظ تمامیت ارضی کشور و پایبندی به قانون اساسی و سایر چارچوب‌های حقوقی و سیاسی اشاره کرد. تحقق مجموعه این الزامات، به‌ویژه در شرایطی که سابقه‌ای از تقابل و بی‌اعتمادی وجود داشته باشد، ممکن است فرایندی دشوار و پیچیده باشد و نیازمند فراهم‌شدن مقدمات و شرایط لازم از سوی طرفین باشد. بنابراین، اینکه بخواهیم بگوییم همان فرایندی که برای مثال در ترکیه تحت عنوان «ادغام» اتفاق افتاده است، می‌تواند عینا یا به شکلی مشابه در مورد کُردهای ایران نیز رخ دهد، به نظر من، نیازمند تحقق مجموعه‌ای از شرایط و مقدمات است که در حال حاضر وجود نمی‌نست. نمی‌توان صرفا با مشاهده تجربه ترکیه، بدون توجه به تفاوت‌های تاریخی، سیاسی و اجتماعی، همان الگو را برای ایران در نظر گرفت. ضمن اینکه همان‌طور که در بخش دیگری از عرایض نیز اشاره کردم، وضعیت کُردها و نوع مناسبات آنان با دولت مرکزی در ایران با آنچه در ترکیه و سوریه وجود دارد، تفاوت‌های بسیار مهمی دارد. بنابراین، هرگونه مقایسه میان این موارد باید با توجه به تفاوت‌های بنیادین موجود در زمینه‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی و هویتی صورت گیرد.

ک در همین راستا معنای واقعی پیشنهاد اخیر پزشکیان چیست؟ آیا اظهارات چهارشنبه گذشته مسعود پزشکیان در دیدار با بافل طالبانی درباره آمادگی ایران برای گفت‌وگو با گروه‌هایی که «مطالعات و درخواست‌های فاصله بگیرد» دارند، صرفا یک ادبیات دیپلماتیک در چارچوب حسن هم‌جواری است یا می‌توان آن را نشانه‌ای از تغییر احتمالی دکترین تهران در مواجهه با معارضین کُرد دانست؟ و اگر دومی محتمل باشد، خط قرمزهای ایران در این گفت‌وگو کجاست؟

بله من هم دیدم که آقای دکتر پزشکیان در دیدار با بافل طالبانی اعلام کرده بود جمهوری اسلامی ایران آمادگی دارد با گروه‌های مخالف وارد گفت‌وگو شود. با این حال، دقیقاً مشخص نیست منظور ایشان از طرح این موضوع چه بوده و این اظهار‌نظر از حیث دامن‌ه، مخاطبان و شرایط تحقق آن، تا حدودی مبهم به نظر می‌رسد. بنابراین، برای تفسیر دقیق‌تر این سخن، باید مشخص شد مقصود از «گروه‌های مخالف» چه گروه‌هایی هستند و گفت‌وگو در چه چارچوب و بر اساس چه پیش‌شرط‌هایی مورد نظر قرار گرفته است. قبل‌تر عرض کردم که فارغ از این ابهام کلایی پزشکیان، اگر قرار باشد اپوزیسیون کرد در مقطعی بخواهد با دولت مرکزی جمهوری اسلامی ایران وارد گفت‌وگو شود، به نظر من تحقق چنین فرایندی مستلزم فراهم‌شدن مجموعه‌ای از مفروضات، شرایط و الزامات است. گفت‌وگو صرفا با طرح یک پیشنهاد یا اعلام آمادگی از سوی یکی از طرفین شکل نمی‌گیرد، بلکه نیازمند آن است که زمینه‌های لازم برای اتحاد و تداوم یک فرایند سیاسی فراهم باشد. از این‌رو، حتی اگر اصل گفت‌وگو را به‌عنوان یک امکان سیاسی در نظر بگیریم، باید مجموعه شرایطی فراهم شود که طرفین بتوانند مناسبات آن وارد یک فرایند مشخص و قابل تعریف شوند. من دست‌کم در شرایط موجود، تصور نمی‌کنم این مفروضات و الزامات به‌طور کامل فراهم باشد. به همین دلیل، در وضعیت کنونی نمی‌توان انتظار داشت صرف اعلام آمادگی برای گفت‌وگو، به‌خودی‌خود به آغاز یک فرایند جدی و عملی میان اپوزیسیون کُرد و دولت مرکزی منجر شود.

فکت‌وگوتی کارل را در سایت شرق بخوانید

وضعیت کُردهای ایران با شرایطی که کردها در سوریه با ترکیه دارند، تفاوتی اساسی و بنیادین دارد. به بیان دیگر، نوع رابطه و نسبت کُردهای ایران با دولت مرکزی، با وضعیت کردها در سوریه و ترکیه و مناسبات آنان با دولت‌های مرکزی این دو کشور، تفاوت‌های قابل توجهی دارد. از این‌رو، نمی‌توان این سه وضعیت را صرفا بر اساس شباهت‌های ظاهری یا بر مبنای مفهوم کلی «مسئله کرد» با یکدیگر مقایسه کرد. این نکته را از این‌رو عرض می‌کنم که کُردهای ایران از پیوندها و پیوستگی‌های تاریخی، تمدنی، زبانی و فرهنگی بسیار قدرتمندی با ایران و دولت مرکزی برخوردارند. این پیوندها موجب شده است کردها در بسیاری از ابعاد، بخشی از ساختار تاریخی و هویتی ایران تلقی شوند. این وضعیت را نمی‌توان به همان شکل درباره رابطه کردها با دولت‌های ترکیه و سوریه تعمیم داد؛ زیرا زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و هویتی این روابط متفاوت بوده است.

افزون بر این، اگر به تاریخ و گذشته روابط میان دولت مرکزی و کردها در ایران نیز توجه کنیم، نوع مواجهه این دو با یکدیگر با آنچه در ترکیه و سوریه مشاهده شده، تفاوت دارد. در ایران، حتی با وجود یکی، دو مورد منازعه و رویارویی، نمی‌توان از وجود یک منازعه صریح و گسترده و سیستماتیک میان دولت مرکزی و کردها در طول تاریخ سخن گفت؛ دست‌کم این وضعیت با مناسبات تاریخی میان دولت ترکیه و کردها در ترکیه با دولت سوریه و کُردها در سوریه، قابل قیاس نیست. بنابراین، از این منظر نیز به نظر می‌رسد مرزهای منازعه میان کُردها و دولت مرکزی در ایران، حتی از نظر تاریخی، با آن شدت و گسترده‌گی را که در ترکیه یا سوریه مشاهده می‌کنیم، نداشته است. کردها در ایران همواره بخشی از ایران و جزئی تفکیک‌ناپذیر از هویت ملی ایرانی بوده‌اند و این پیوستگی تاریخی و هویتی، یکی از تفاوت‌های مهم وضعیت آنان با کردهای ترکیه و سوریه محسوب می‌شود. در کنار این عوامل، سیاست‌گذاری‌های هویتی دولت‌ها در ایران، ترکیه و سوریه نیز یکسان نبوده و تفاوت‌هایی اساسی با یکدیگر داشته است. به نظر من، در ایران هیچ‌گاه سیاست هویتی دولت مرکزی به‌طور نظام‌مند بر مبنای حذف یا انکار هویت کردها استوار نبوده است؛ در حالی که در مورد ترکیه و سوریه، شواهد و دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد در مقاطعی چنین رویکردهایی نسبت به هویت کُردی اتخاذ شده است. همین تفاوت در پیشینه تاریخی، نوع رابطه با دولت مرکزی و سیاست‌های هویتی، در تحلیل وضعیت ایران این سه کشور تفاوت اساسی دارد.

نکته مهمی لابه‌لای تحلیل شما بود؛ تمایزی جدی بین جامعه

